

ایراد امر مرتبط در نظام دادرسی مدنی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)

مهدی حسن‌زاده^{۱*}، زهره افشار قوچانی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم، قم، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۳۱

دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۵

چکیده

یکی از ایرادات قابل طرح در رسیدگی به دعوا، ایراد امر مرتبط است. قانونگذار ایرانی در ماده ۸۴ و ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی به بیان مجملی از ایراد امر مرتبط و نتیجه پذیرش آن اکتفا کرده و درباره زمان و مرجع طرح ایراد، شخص ایرادکننده و همچنین نتیجه رد ایراد تعیین تکلیف نکرده، اما قانونگذار فرانسوی، در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۹۷۵ ضمن بیان احکام کلی ایرادات در دو ماده ۷۳ و ۷۴، در مواد ۱۰۰ تا ۱۰۷ تا حد زیادی به بیان احکام ایراد امر مرتبط به صورت اختصاصی پرداخته است. با بررسی تطبیقی قوانین آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه باید پذیرفت که در حقوق ما، به منظور تعیین دقیق دامنه اعمال ایراد امر مرتبط، لازم است احکام ویژه درباره زمان، مکان و شخص طرح‌کننده ایراد امر مرتبط وضع شود و نتیجه پذیرش و رد ایراد مزبور به وضوح تعیین گردد.

واژگان کلیدی: دعوی مرتبط، ایراد امر مرتبط، دعوی طاری



۱. مقدمه

ایراد در لغت مصدر باب افعال از ریشه «ورد» به معنای در آوردن، حاضر آوردن بر مورد، حاضر کردن و چیزی را بر کسی وارد کردن است [۱، ص ۵۱۵]. هرچند قانونگذار ایرانی تعریفی از ایراد ارائه نکرده و مفهوم عرفی آن ملاک است [۲، ذیل عنوان ایراد]، اما در ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۷۵ ایراد چنین تعریف شده است: «ایراد آیین دادرسی به هر جهتی گفته می‌شود که به منظور اعلام غیرقانونی بودن یا زوال آیین دادرسی یا تعلیق جریان آن مطرح می‌شود».

در بیان مفهوم دعوای مرتبط نیز باید گفت: دعوایی است که با دعوای سابق کاملاً مرتبط بوده، به دلیل این ارتباط باید توأمان رسیدگی شود [۵، ص ۲۹۷]. ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ دعوای مرتبط را چنین تعریف کرده است: «بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هریک مؤثر در دیگری باشد».

آنچه در مقاله حاضر مورد بحث و بررسی قرار گرفته، ایرادی است که در نتیجه وجود دعوای مرتبط در یک شعبه، شعب یک دادگاه و یا دادگاه‌های هم‌عرض قابل طرح است که قانونگذار از آن تحت عنوان «ایراد امر مرتبط» یاد کرده است؛ با این توضیح که اگر دو دعوا که با یکدیگر ارتباط کامل دارند در یک شعبه، شعب یک دادگاه و یا دو دادگاه هم‌عرض مطرح شده باشند می‌توان با طرح ایراد امر مرتبط، رسیدگی هم‌زمان و یکجا به هر دو را از دادگاه درخواست کرد. نوشتار حاضر سعی در پاسخگویی به سؤالات اساسی درباره این ایراد آیین دادرسی دارد. از این رو، مطالب قابل بررسی عبارتند از: مبنا و قلمرو ایراد امر مرتبط، زمان، مرجع و طرح‌کننده ایراد مزبور و در پایان مسأله پذیرش یا رد ایراد امر مرتبط.

۱. در زبان فرانسه به ایراد exception می‌گویند [۳، ص ۵۹۸] که به معنای دفاع به طور کلی است [۴، ص ۲۰۲].

۲. مبنا و قلمرو ایراد امر مرتبط

برای شناخت بهتر ایراد امر مرتبط لازم است مبنای ایراد و حالت‌های مختلف اقامه دعاوی مرتبط و امکان یا عدم امکان طرح این ایراد در هریک از این حالت‌ها بیان و بررسی شود.

۲-۱. مبنای ایراد امر مرتبط

مبنای ضرورت توأم کردن دعاوی مرتبط «اجرای صحیح عدالت» و «جلوگیری از صدور آرای متعارض» است [۶، ص ۱۷۵؛ ۷، ص ۸۱؛ ۸، ص ۲۵۰؛ ۹، ص ۸۲]. اجرای صحیح عدالت در فرضی که «دادخواست‌های متعدد در محدوده دادرسی‌های جداگانه به یک دادگاه داده شده که بین آن‌ها چنان رابطه‌ای وجود دارد... ایجاب می‌کند که به همه آن‌ها یکجا رسیدگی شده و با رأیی واحد تکلیف همه آن‌ها روشن شود» [۱۰، ج ۱، ص ۵۴]. علاوه بر اجرای صحیح عدالت، تسریع در جریان رسیدگی به دعاوی و کاهش حجم پرونده‌ها توجیه‌کننده رسیدگی یکجا به دعاوی مرتبط و در نتیجه، پذیرش ایراد امر مرتبط خواهد بود. این دلایل منطقی، قانونگذار را بر آن داشته تا صرفنظر از صالح بودن دادگاه مورد مراجعه، دعوا را از دادگاه مزبور خارج و به دادگاهی که در حال رسیدگی به امر مرتبط است ارجاع کند. مصلحتی که از رعایت صلاحیت محکمه قوی‌تر بوده و دادگاه هرچند صالح در رسیدگی را ملزم به امتناع می‌سازد یا دادگاه فاقد صلاحیت محلی را ملزم به رسیدگی می‌کند.

۲-۲. قلمرو ایراد امر مرتبط

دعاوی مرتبط در محاکم ممکن است به یکی از سه صورت زیر مطرح شوند:
الف) دعاوی مرتبطی که به صورت جداگانه در دو دادگاه هم‌عرض اقامه شده‌اند:
قانونگذار فرض مزبور را در ذیل بند ۲ ماده ۸۴ بیان کرده که خوانده می‌تواند ضمن



دفاع ماهوی نسبت به آن ایراد کند که در مباحث آتی به شرایط و مسائل مربوط بدان پرداخته می‌شود.

ب) دعاوی مرتبطی که پس از تقدیم دادخواست در همان شعبه یا همان دادگاه مطرح شده‌اند: این دعاوی ممکن است به صورت مستقل از یکدیگر مطرح شده باشند یا یکی در ضمن دیگری و به صورت طاری اقامه شده باشد. اگر دعاوی مرتبط به صورت طاری اقامه شود، در صورتی که از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج نباشد، همزمان با دعاوی اصلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در حقوق ایران رابطه میان دعاوی طاری و مرتبط، رابطه عموم و خصوص من وجه است؛ بدین معنا که برخی از دعاوی طاری ممکن است دعاوی مرتبط نیز باشند [۷، ص ۷۴]، زیرا در همه دعاوی طاری، وجود ارتباط کامل با دعاوی اصلی «یا» وحدت منشأ شرط رسیدگی ادعا به صورت طاری است.^۱ اما قانونگذار فرانسه در ماده ۴ صرفاً به وجود ارتباط کافی بین دعاوی اصلی و طاری، نه وحدت منشأ توجه داشته است. همچنین در ماده ۷۰ و ۳۲۵ درخواست‌های متقابل و اضافی و دخالت شخص ثالث را در صورتی قابل پذیرش می‌داند که با ادعاهای طرفین ارتباط کافی داشته باشد [۱۱]. بنابراین، در قانون فرانسه همه دعاوی طاری دعاوی مرتبط نیز هستند و این

۱. به استثنای دعاوی اضافی که اگر بنا بر عقیده برخی [۱۲، ج ۲، ص ۳۲۰؛ ۱۳، ج ۳، ص ۱۴۷؛ ۱۴، ص ۱۳۲؛ ۱۵، ص ۲۸۳] ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی را در مقام بیان دعاوی اضافی بدانیم، این ماده وجود ارتباط کامل «و» وحدت منشأ را شرط رسیدگی توأمان قرار داده است. اگرچه به عقیده عده‌ای [۱۶، ج ۳، ص ۴۰؛ ۱۷، ج ۳، ص ۶۳؛ ۱۸، ص ۱۳۸] این ماده ناظر بر دعاوی اضافی نبوده، صرفاً در مقام بیان حکم تغییرات در دادرسی است. ماده ۱۷ قانون مذکور ناظر بر کلیه دعاوی طاری است که حصول وحدت منشأ «یا» ارتباط کامل را کافی برای رسیدگی همزمان می‌داند.

۲. ماده ۴: «...با وجود این موضوع دعوا ممکن است به وسیله دعاوی طاری، هنگامی که به ادعاهای اصلی به موجب پیوند کافی ارتباط دارند تغییر کند».

۳. ماده ۷۰: «درخواست‌های متقابل و اضافی قابل پذیرش نیستند، مگر این‌که با خواسته‌های اصلی به موجب پیوند کافی ارتباط داشته باشند...».

۴. ماده ۳۲۵: «دخالت شخص ثالث قابل پذیرش نیست، مگر در صورت داشتن ارتباط کافی با ادعاهای طرفین».

رابطه به صورت عموم و خصوص مطلق بین دعوی مرتبط و دعای طاری است. اگر دعوی مرتبط به صورت دعوی اصلی، بعد از تقدیم دادخواست و در همان شعبه یا شعب یک دادگاه اقامه شود مطابق ماده ۱۰۳ قانون ایران، در حالت نخست دادگاه به تمامی آن‌ها یکجا رسیدگی می‌کند و در حالت دوم، یعنی فرضی که دعوی مرتبط در یکی دیگر از شعب همان دادگاه تحت رسیدگی باشد با تعیین رئیس شعبه اول به همه دعاوی یکجا رسیدگی خواهد شد. مسأله قابل تأمل در این خصوص این است که آیا طرح دعوی مرتبط به صورت مستقل در یک شعبه یا یک دادگاه، مشمول ایراد امر مرتبط محسوب می‌شود یا خیر؟ بند ۲ ماده ۸۴ چنین است: «دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم‌عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست، دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد». ممکن است ادعا شود که قید «همان دادگاه» تنها در مورد دعوی مطروح مورد نظر قانونگذار بوده و ایراد امر مرتبط تنها در فرض وجود دعوی مرتبط در «دادگاه هم‌عرض دیگر» قابل طرح است. ماده ۸۹ نیز که به بیان ضمانت‌اجرای ایرادات پرداخته، تنها در مورد وجود دعوا در دادگاه دیگر تعیین تکلیف کرده است. باید پذیرفت علاوه بر این که ظاهر بند ۲ ماده ۸۴ چنین برداشتی را تأیید نمی‌کند، اگر به استناد ماده ۸۹ مدعی باشیم که طرح دعوی مرتبط در همان دادگاه، مشمول ایراد امر مرتبط نمی‌شود، بدین دلیل که قانونگذار در ماده ۸۹ ضمانت‌اجرای آن را تعیین نکرده، باید در مورد دعوی مطروح نیز قائل به این نظر باشیم؛ چرا که قانونگذار به صورت مطلق و در مورد هر دو نوع ایراد امر مرتبط و مطروح، همین حکم مختصر را بیان کرده است؛ در حالی که بند ۲ ماده ۸۴ به صراحت «همان دادگاه» را - حتی اگر بپذیریم که فقط در مورد دعوی مطروح بوده - بیان کرده است. لذا با توجه به این‌که ماده ۸۴ با بیان عبارت «همان دادگاه» وجود دعوی مرتبط در یک دادگاه را نیز به‌عنوان سبب ایراد امر مرتبط پذیرفته و در ماده ۸۹ ضمانت‌اجرای آن را تعیین نکرده است، ماده ۱۰۳ مکمل ضمانت‌اجرای مندرج در ماده ۸۹ به نظر می‌رسد.



ج) دعاوی مرتبطی که ضمن یک دادخواست و همزمان مطرح شده‌اند که در این باره ماده ۱۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، تعیین تکلیف کرده و مطابق مفهوم مخالف این ماده، اگر دعاوی متعدد اقامه شده در ضمن یک دادخواست، با یکدیگر ارتباط کامل داشته و در صلاحیت دادگاه نیز باشند دادرسی مکلف است به همه آن‌ها یکجا رسیدگی کند. در ماده ۳۶۷^۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و ماده ۲۷^۳ قانون آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ایران نیز بدین امر اشاره شده است. در این فرض، خواهان شخصاً دعاوی مرتبط را در ضمن یک دادخواست اقامه کرده و دادگاه، در صورت وجود صلاحیت ذاتی، بدان‌ها یکجا رسیدگی خواهد کرد و لذا جایی برای طرح ایراد امر مرتبط باقی نمی‌ماند.

۳. مرجع و زمان طرح ایراد امر مرتبط و شخص ایرادکننده

با پذیرش این امر که دعاوی مرتبطی در یک شعبه، شعب مختلف یا حتی دادگاه‌های متفاوت قابل طرح است، این مسأله مطرح خواهد شد که ایراد وجود دعاوی مرتبط که از آن تحت عنوان «ایراد امر مرتبط» یاد می‌شود از جانب چه کسی قابلیت طرح دارد؟

۱. ماده ۶۵: «اگر به موجب یک دادخواست دعاوی متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند و دادگاه نیز نتواند ضمن یک دادرسی به آن‌ها رسیدگی کند دعاوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می‌کند و در غیر این صورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مراجع صالح ارسال می‌نماید».

۲. ماده ۳۶۷: «دادرس به درخواست طرفین یا رأساً می‌تواند دستور توأم نمودن چند رسیدگی مطرح نزد خود را صادر کند، در صورتی که میان این اختلافات نوعی ارتباط وجود دارد که رسیدگی و صدور رای یکجای آن‌ها منتهای به نفع اجرای صحیح عدالت شود. او همچنین می‌تواند دستور جدا کردن یکی از چند رسیدگی را صادر کند».

۳. ماده ۲۷: «شکایات متعدد را که منشأ و مبنای آن‌ها مختلف است نمی‌توان به موجب یک دادخواست اقامه کرد، مگر آن‌که دیوان بتواند به تمام آن‌ها ضمن یک دادرسی رسیدگی نماید و همچنین اشخاص متعدد نمی‌توانند شکایت خود را که موضوع و منشأ و مبنای مختلف دارد به موجب یک دادخواست اقامه نمایند. در صورت عدم رعایت این ماده دادخواست از طرف دیوان رد می‌شود».

خواننده، خواهان یا دادگاه؟ و دیگر این‌که این ایراد در چه زمانی و در کدام دادگاه قابلیت طرح دارد؟ دادگاهی که ابتدائاً دعوا در آن اقامه شده یا دادگاهی که موخراً دعوی مرتبط در آن طرح شده است؟ در ادامه بدین مسائل پرداخته خواهد شد.

۳-۱. مرجع طرح ایراد امر مرتبط

قانونگذار ایرانی به بیان مجملی از وجود حق ایراد برای خواننده در بند ۲ ماده ۸۴ اکتفا کرده و در خصوص این‌که اساساً ایراد امر مرتبط باید در کدام دادگاه مطرح گردد (دادگاه نخست یا دادگاه دوم) حکمی ندارد. اگرچه ماده ۸۴ در این باره به اجمال سخن گفته است، اما می‌توان به ماده ۱۷^۱ در این باره مراجعه و حکم مسأله را دریافت. به تصریح ماده مزبور، دعوی طاری باید در دادگاهی که در حال رسیدگی به دعوی اصلی است اقامه گردد. از این ماده می‌توان استفاده کرد که شایسته است ایراد در دادگاه دوم مطرح شود؛ زیرا هر دو دادگاه صالح به رسیدگی هستند، منتها دادگاهی که ابتدا شروع به رسیدگی کرده، صلاحیتش باقی می‌ماند و براساس ضابطه تقدم زمانی. چنان‌که به عنوان مثال در مورد دعوی بازگانی چند دادگاه صالح به رسیدگی هستند، اما همین‌که در یکی از این دادگاه‌ها دعوا اقامه گردید، سایر محاکم صالح، قادر به رسیدگی به همان دعوا نخواهند بود، در باب دعوی مرتبط نیز با اقامه دعوی در یک دادگاه صالح، سایر محاکم صالح، قادر به رسیدگی به دعوی مرتبط با آن نیستند. لذا ایراد باید در همان دادگاه دوم مطرح گردد. ماده ۲۸^۲ قانون آیین دادرسی مدنی دیوان عدالت اداری مؤید همین نظر است.

قانونگذار فرانسه در این باره در ماده ۱۰۱ قانون جدید آیین دادرسی مدنی تعیین

۱. ماده ۱۷: «هر دعوی که در اثنا رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشأ باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است.»
۲. ماده ۲۸: «کلیه شکایات مطروح در شعبه دیوان که موضوعاً واحد یا مرتبط باشد به دستور رئیس کل دیوان جهت رسیدگی به شعبه‌ای که از لحاظ تاریخ ارجاع مقدم است ارجاع می‌شود.»



تکلیف کرده و مقرر می‌دارد: «اگر میان پرونده‌های مطروح نزد دو مرجع قضایی جدا، نوعی پیوند وجود داشته باشد که اجرای صحیح عدالت ایجاب کند که آن‌ها توأمان مورد رسیدگی قرار گیرند، می‌توان از «هریک» از دو مرجع قضایی امتناع از رسیدگی را تقاضا کرد و در صورت کسب اطلاع از وجود پرونده، ارسال آن را به مرجع قضایی دیگر درخواست نمود». چنان‌که این ماده تصریح دارد متقاضی مخیر است ایراد مزبور را در هر یک از دو دادگاه که بخواهد مطرح سازد و از این جهت تفاوتی به لحاظ سبق طرح دعوا وجود ندارد؛ اگرچه منطقی و عقلایی است ایراد در دادگاهی مطرح شود که موخراً مورد مراجعه واقع شده و دادرسی مزبور نیز باید پرونده را به دادگاهی که سبق ارجاع دارد بفرستد؛ اما قانونگذار فرانسه دست متقاضی را در انتخاب دادگاه باز نگذاشته است. برخی این راهکار را با این جهت توجیه کرده‌اند که تصمیم دادگاه مبنی بر ارسال پرونده به دادگاه دیگر، همچون تصمیم صادر شده در پی ایراد عدم صلاحیت قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر خواهد بود [۷، ص ۸۵]. اما به نظر می‌رسد آزاد گذاردن متقاضی در سنجش منافع و اتخاذ تصمیم در انتخاب دادگاه محل رسیدگی به دعوا، هدف قانونگذار فرانسوی بوده است، نه صرف قابلیت تجدیدنظرخواهی از رأی صادر شده در این خصوص.

قانونگذار فرانسه از این هم فراتر رفته و فرضی را مطرح ساخته که هر دو مرجع از رسیدگی به دعوا به دلیل وجود دعوای مرتبط در دیگری خودداری کنند که در این صورت، مطابق ماده ۱۰۶^۱ اگر هر دو مرجع از رسیدگی امتناع کنند آخرین تصمیم از لحاظ تاریخ، صادر نشده تلقی می‌شود و مرجع صادرکننده این قرار مکلف به ادامه رسیدگی به دعوا خواهد بود.

پیش‌تر گفتیم که منطقی است ایراد مزبور در دادگاه دوم مطرح شود. در این باره مسأله‌ای مطرح می‌شود و آن این است که در تشخیص مرتبط بودن یا نبودن دعوای

۱. ماده ۱۰۶ ق.آ.د.م.ف: «در فرضی که دو مرجع قضایی از رسیدگی امتناع کنند آخرین تصمیم از لحاظ تاریخ، صادر نشده تلقی می‌شود».

مزبور ممکن است میان دو دادگاه اختلاف نظر وجود داشته باشد: دادگاه دوم به استناد ایراد مطروح از جانب یکی از طرفین یا به صلاحدید خود دعوا را مرتبط تشخیص و پرونده را به دادگاه اول ارجاع دهد، اما دادگاه اول قائل به وجود چنین ارتباطی بین دو دعوا نبوده، مرتبط بودن دعاوی را رد کند. در این باره، تعیین نقش مقام ارجاع حائز اهمیت است، زیرا اگر تصمیم و رأی دادگاه ارجاع‌کننده را برای دادگاه مرجوع‌آلیه لازم‌الرعایه بدانیم این اختلاف قابل طرح نیست و دادگاه مزبور مکلف به رسیدگی است؛ اما اگر دادگاه اول را مجاز به مخالفت بدانیم، مانند تصمیم‌گیری درباره صلاحیت، در این صورت، تعیین مرجع صالح برای حل اختلاف نیز ضرورت خواهد داشت. در این باره شایسته است بین دو فرض قائل به تفکیک شد: ممکن است دو دعوی مرتبط در شعب یک دادگاه مطرح شده باشند که در این حالت اگرچه ایراد باید منطقی در شعبه مؤخر (شعبه‌ای که دعوی دوم در آن اقامه شده) طرح شود، اما ارجاع پرونده مطابق متن صریح ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی، از ناحیه رئیس شعبه اول صورت خواهد گرفت که نظر او برای شعبه مرجوع‌آلیه ایجاد تکلیف به رسیدگی می‌کند؛ اما ماده مذکور به فرضی که دو دعوی مرتبط در دو دادگاه اقامه شده‌اند نپرداخته و تعیین حکم نکرده است. این عدم تعیین حکم، علاوه بر این که نقص قانونی محسوب می‌شود آثار سوء قضایی به همراه داشته، منجر به بروز اختلاف بین دادگاه‌ها و در نتیجه اطاله دادرسی خواهد شد. به عقیده ما در این موارد جهت جلوگیری از سردرگمی طرفین دعوا بین دو دادگاه، شایسته است دادگاه مرجوع‌آلیه را مکلف به رسیدگی بدانیم؛ حتی اگر قائل به وجود ارتباط کامل نباشد که در این صورت به استناد مواد ۶۵، ۱۳۳ و ۱۴۱ به هریک از دو دعوا به صورت جداگانه رسیدگی خواهد کرد.

۲-۳. زمان طرح ایراد امر مرتبط

در حالی که ایراد یک شیوه ساده دادرسی با هدف معلق کردن مذاکره در مورد ماهیت دعوا است، همواره این نگرانی وجود دارد که این شیوه با هدف اطاله دادرسی واقعی



مورد استناد قرار گیرد. بنابراین باید طرفین دعوا را ملزم ساخت که استفاده از این شیوه را تا آخرین لحظه به تأخیر نیندازند. به همین دلیل، قانون فرانسسه نظام دقیق و سخت‌گیرانه‌ای را وضع کرده است [۳، ص ۵۹۷]. قانونگذار ایران نیز در مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون سابق آیین دادرسی مدنی به این مهم توجه داشت و ایرادات راجع به دعاوی را به دو دسته تقسیم کرده بود و خواننده براساس این مواد می‌توانست ضمن دفاع ماهوی یا بدون دفاع از ماهیت دعوا به ایراد استناد کند [۱۹، ص ۳۳۰-۳۳۱]. این در حالی است که در قانون جدید آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، تفکیکی بین انواع ایرادات وجود ندارد. زمان طرح ایراد به موجب ماده ۸۷ این قانون، تا پایان جلسه اول است و بعد از دفاع ماهوی نیز قابلیت طرح دارد. اگر ایرادی بعد از جلسه نخست دادرسی مطرح شود، ولی مربوط به نظم عمومی و قواعد آمره باشد، رعایت آن بر دادگاه لازم خواهد بود؛ مانند ایراد عدم صلاحیت ذاتی که حتی اگر خارج از فرجه قانونی مطرح شده باشد، دادگاه در صورت پذیرش، مکلف به صدور قرار عدم صلاحیت ذاتی است. در مواردی نیز که ایراد مطروح در خارج از مهلت قانونی در ارتباط با نظم عمومی نیست، مطابق ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ دادگاه صرفاً تکلیفی به رسیدگی مجزا از ماهیت دعوا به ایراد مزبور ندارد، وگرنه به این ایراد نیز رسیدگی خواهد شد.

با توجه به سختگیری شدید قانونگذار فرانسسه نسبت به اطاله دادرسی، ایرادات در محاکم مدنی این کشور باید قبل از دفاع ماهوی و حتی پیش از ایراد عدم پذیرش^۱ مطرح شود. در غیر این صورت، حتی اگر ایراد مطروح مربوط به نظم عمومی باشد، قابل قبول نخواهد بود [۲۰، ص ۸۵]. ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسسه بیانگر این اصل است. البته قانونگذار فرانسسه در دنباله ماده ۷۴ چنین تصریح می‌کند:

۱. در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۹۷۵ فرانسسه دو عنوان مجزا برای ایرادات مطرح می‌شود: (۱) ایراد دادرسی، (۲) ایراد عدم پذیرش (عدم استماع دعوا). برای مطالعه بیشتر در این باره رجوع کنید به: [۲۱، ج ۱، ص ۴۳۵-۴۳۶ و ترجمه قانون آیین دادرسی مدنی فرانسسه، محسنی، ۱۳۹۰، مواد ۷۳ به بعد].

«...مقررات بند نخست مانع اجرای مواد ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۱۸ نیست». لذا طرح ایراد تنها در صورتی قابل پذیرش است که به‌عنوان اولین دفاع و پاسخ از ناحیه مدعی‌علیه مطرح شده باشد.^۱ پس از دفاع در ماهیت دعوا طرح ایراد از ناحیه خواننده پذیرفته نخواهد شد، حتی اگر جلسه نخست هنوز تمام نشده باشد؛ مگر این‌که سبب ایراد بعداً حادث شود [۱۰، ج ۱، ص ۴۲۲؛ ۳، ص ۵۹۷]. این یک اصل است که در قانون فرانسه مورد توجه قرار گرفته و قانونگذار در مواد مختلف استثنائات آن را بیان کرده است؛ مانند ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه. در غیر از موارد مذکور، اگر خواننده در نخستین پاسخ به دعوا از طرح ایراد دادرسی امتناع کند، حق ایراد وی در همه مراحل دادرسی از میان می‌رود. البته دیوان عالی این کشور پذیرفته که ایراد دادرسی ممکن است در همان لایحه‌ای که دفاع ماهوی انجام گرفته، مطرح شود؛ اما تصریح دارد که در این صورت نیز به همان قید، باید پیش از دفاع ماهوی نوشته شود [۱۰، ج ۱، ص ۴۲۲].

ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در رابطه با مهلت قانونی طرح ایراد امر مرتبط چنین مقرر می‌دارد: «ایراد امر مرتبط را در هر زمان می‌توان طرح کرد، مگر این‌که هدف از طرح با تأخیر آن، ایجاد اطاله دادرسی باشد که در این صورت پذیرفته نمی‌شود». مطابق ظاهر این ماده، ایراد امر مرتبط مقید به مهلت زمانی خاصی نبوده، در هر زمانی، حتی پس از دفاع ماهوی قابل طرح است [۲۲، ص ۲۰۴].

اما در قانون ایران، زمان طرح ایراد امر مرتبط تابع قاعده خاصی نیست و مانند سایر ایرادات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی مطرح شود؛ مگر این‌که سبب ایراد پس از جلسه اول حادث شده باشد (ماده ۸۷). قانون فرانسه با در پیش گرفتن واکنشی متفاوت نسبت به ایراد امر مرتبط در مقایسه با سایر ایرادات از قانون ایران متمایز شده است. البته به نظر می‌رسد قانونگذار فرانسه نیز با قید اخیر ماده ۱۰۳ که طرح با تأخیر ایراد به منظور ایجاد اطاله را نپذیرفته، از نظریه حدوث سبب پیروی کرده است؛

۱. این قاعده در زبان لاتین با عبارت *in limin litis* بیان می‌شود [۳، ص ۵۹۷؛ ۲۰، ص ۸۵؛ ۲۲، ص ۲۰۳].



زیرا اگر سبب ایراد امر مرتبط سابق بر این وجود داشته و پس از ادای دفاعیات ماهوی و سپری شدن جلسات دادرسی فرد بدان اشاره و استناد کند انگیزه اطلاع دادرسی مفروض است. در موردی که سبب ایراد قبلاً حادث شده، اما ایرادکننده بعد از مدتی بدان آگاهی می‌یابد، تکلیف چیست؟

برخی معتقدند انحراف از موعد وقتی تجویز شده است که سبب ایراد بعد حادث شود، نه این‌که بعد کشف شود [۲۳، ص ۲۱۳-۲۱۴]. پذیرش این نظر محل تردید است؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره کردیم ایراد امر مرتبط بیش از آن‌که حق خصوصی فردی محسوب گردد، به منظور برقراری عدالت و جلوگیری از صدور آرای معارض پیش‌بینی شده و در نتیجه جزء قواعد آمره است؛ چنان‌که حتی اگر متداعیین بدان ایراد نکرده باشند، دادگاه رأساً مکلف به اعمال آن است [۶، ص ۱۷۵]. همچنین ماده ۱۰۳ قانون ایران با ایجاد تکلیف برای طرفین و وکلای آنان نسبت به اطلاع‌رسانی در این زمینه، دیدگاه مزبور را تأیید می‌کند که آنان به محض اطلاع از وجود دعوای مرتبط، نه مختار، بلکه مکلف به طرح آن در دادگاه هستند. بنابراین، هریک از طرفین باید بتواند به محض آگاهی از وجود چنین دعوایی، دادگاه را مطلع کرده و اقدام مقتضی را درخواست کند.

۳-۳. طرح‌کننده ایراد امر مرتبط

برخی از حقوقدانان ایراد را ابزار دفاعی خاص خوانده دانسته و معتقدند ایراد وسیله‌ای است که خوانده معمولاً در جهت ایجاد مانع دائمی یا موقتی در جریان رسیدگی به دعوای مطرح شده یا بر شکل‌گیری مبارزه در اصل و ماهیت حق مورد ادعا، به منظور بازداشتن موقت یا دائم خواهان از پیروزی به کار می‌گیرد [۱۰، ج ۱، ص ۴۲۰؛ ۲۴، ص ۱۷۷؛ ۲۵، ص ۱۵۶؛ ۳، ص ۵۹۶؛ ۵، ص ۲۰۲؛ ۲۰، ص ۸۳]. از تعاریف عده‌ای دیگر چنین برمی‌آید که آنان ایراد را اشکالات قابل طرح از ناحیه مدعی، مدعی‌علیه و دادگاه دانسته‌اند [۲۶، ص ۹۷]. برخی دیگر ایراد را اشکالات خاص مطروح از جانب هریک از

متداعیین بر دعوا، قاضی، طرف دعوا یا نماینده او، ثالث یا دادگاه معرفی کرده‌اند [۲۷، ص ۲۸۷۹؛ ۱، ص ۵۱۵].

پذیرش هریک از دو دیدگاه نخست، خالی از اشکال نیست؛ زیرا ایراداتی مانند رد دادرسی و عدم سمت به‌صراحت قانونگذار از جانب هر دو طرف دعوا قابل طرح است و لذا از انحصاری بودن ایراد برای خواننده نمی‌توان سخن راند. دیدگاه دیگری که دامنه ایراد را بسیار گسترش داده و به «رأساً» توسط دادگاه کشانده، از معنای دقیق ایراد به دور مانده است. به عبارت دیگر، دیدگاه دوم ایراد را شامل هر آنچه دانسته که از جانب طرفین یا دادگاه مطرح می‌شود؛ اما این نظر قابل پذیرش نیست، زیرا برخی از احکام و قواعد آمره، مانند عدم صلاحیت ذاتی اگرچه رأساً مورد توجه دادگاه قرار می‌گیرد، اما اصطلاح «ایراد» برای اقدامی که از جانب دادگاه صورت می‌گیرد قابل استفاده نیست. به عبارت دیگر در مورد قواعد آمره، دادگاه بدون لزوم طرح ایراد از جانب خواننده یا خواهان مکلف است بدان توجه و رأی مقتضی صادر کند.

در باب ایراد امر مرتبط، صدر ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «در موارد زیر «خواننده» می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند...» و در بند ۲ همین ماده می‌خوانیم: «۲. دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم‌عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد». این ظاهر ماده ۸۴ بسیاری از نویسندگان را بر آن داشته است که ایراد امر مرتبط را صرفاً از ناحیه خواننده قابل طرح دانسته، آن را جزء حقوق خواننده در اولین جلسه دادرسی بدانند [۵، ص ۲۸۸؛ ۲۸، ص ۲۷۲]. برخی از نویسندگان با احتیاط بیشتری گام برداشته و بدون این‌که نامی از خواننده یا خواهان ببرند به «ذینفع» اجازه طرح ایراد داده‌اند [۲۹، ص ۲۰۶].

بنابراین، ایراد به‌عنوان ابزار دفاع از دعوا توسط خواننده به کار گرفته می‌شود. اما نباید تصور کرد که ایراد حق اختصاصی خواننده است و برای خواهان چنین حقی



وجود ندارد [۳۰، ص ۱۳]. قانونگذار در ماده ۸۵ و ۹۱ همین قانون حق خواهان در طرح ایراد عدم سمت و رد دادرسی را به رسمیت شناخته است. اما آیا هدف قانونگذار محدود کردن توانایی خواهان در طرح ایراد به موارد مذکور در ماده ۸۵ و ۹۱ بوده و در سایر موارد چنین حقی برای وی قائل نشده است؟ در این باره مراجعه به ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی ایران مفید به نظر می‌رسد که مقرر می‌دارد: «... در مورد این ماده وکلا یا اصحاب دعوا مکلفند از دعاوی مربوط، دادگاه را مستحضر نمایند». اگر بپذیریم که به استناد ماده فوق خواهان نیز مکلف است وجود دعوی مرتبط را به دادگاه اطلاع دهد، به طریق اولی توانایی وی در طرح این ایراد قابل پذیرش و شناسایی خواهد بود. علاوه بر این در مورد خوانده نیز می‌توان اظهار داشت که طرح ایراد امر مرتبط در صورت علم به وجود آن، نه تنها از حقوق وی در جلسه نخست دادرسی است، بلکه در صورت علم به وجود دعوی مرتبط در همان دادگاه از تکالیف وی نیز محسوب خواهد شد. لذا باید از ظاهر ماده ۸۴ فراتر رفت و پذیرفت که قانونگذار فرض را بر این نهاده که خواهان با ارائه دادخواست جدید مرتبط با دعوی سابق، عالمانه از حق خود صرفنظر کرده و عامدانه دو دعوی کاملاً مرتبط را به صورت جداگانه (در همان شعبه، همان دادگاه یا دادگاه هم‌عرض) مطرح ساخته و حال خوانده است که می‌تواند مانع صدور آرای متعارض گردد. اما این فرض، مانع از قبول واقعیت امکان طرح ایراد از جانب هریک از طرفین (خواهان یا خوانده) نخواهد بود. همچنین ماده ۱۰۳ قانون مزبور از شناسایی یک حق ساده برای خوانده فراتر رفته و درخصوص دعوی مرتبط در همان شعبه یا در شعب دیگر یک دادگاه، اصحاب دعوا و وکلای آن‌ها را مکلف ساخته که دادگاه مربوط را از این امر آگاه سازند تا به تکلیف مزبور عمل شود [۱۰، ج ۱، ص ۴۲۹]. اما این که ضمانت‌اجرای این تکلیف چیست و اگر طرفین یا وکلای آن‌ها با اطلاع از وجود دعوی مرتبط، دادگاه را از این امر مطلع نکنند چه نوع مسؤولیتی خواهند داشت محل بحث است. قانونگذار ایرانی در ماده ۱۰۳ به ایجاد تکلیف برای طرفین و وکلای آن‌ها پرداخته، بی‌آن که ضمانت‌اجرای آن را معین کند. قانونگذار فرانسوی نیز

در ماده ۱۰۱ با استفاده از عبارت «می‌توان»، طرح ایراد را صرفاً به‌عنوان یک «حق» و نه «تکلیف» مدنظر قرار داده و لذا این سؤال در آیین دادرسی مدنی فرانسه مطرح نمی‌شود. به نظر می‌رسد مراد قانونگذار ایرانی هم صرفاً تعیین تکلیف اخلاقی برای طرفین بوده تا بدین طریق دادگاه را در جریان دادرسی همراهی و مساعدت کنند؛ بی‌آن‌که تخطی از آن ضمانت‌اجرائی داشته باشد.

۴. پذیرش یا رد ایراد امر مرتبط

پس از طرح ایراد امر مرتبط شایسته است به شرایط و آثار پذیرش ایراد مزبور پرداخته، فرضی که در آن ایراد با رد دادگاه مواجه می‌شود مورد توجه قرار گیرد. از این رو در ادامه به شرایط پذیرش ایراد امر مرتبط، نتیجه پذیرش ایراد و همچنین رد ایراد مزبور پرداخته خواهد شد.

۴-۱. پذیرش ایراد امر مرتبط

در صورتی ایراد امر مرتبط از جانب دادگاه مورد پذیرش قرار می‌گیرد که همه شرایط ذیل هنگام طرح ایراد موجود باشند:

الف) هر دو دعوا در یک دادگاه یا دو دادگاه هم‌عرض «صالح» به رسیدگی مطرح شده باشند؛ زیرا اگر یکی از این دو دادگاه فاقد صلاحیت باشد با ایراد عدم صلاحیت، پرونده به مرجع صالح ارسال خواهد شد و نوبت به طرح ایراد امر مرتبط نمی‌رسد [۸]، ص ۲۵۰-۲۵۱]. هرچند قانونگذار فرانسه در ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۹۷۵ مانند قانونگذار ایرانی به صالح بودن هر دو دادگاه به‌صراحت اشاره‌ای نکرده است، اما با توجه به قید موجود در ماده ۱۰۲ و بدیهی بودن مسأله مورد نظر می‌توان این قاعده را پذیرفت. ماده ۱۰۲ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «هنگامی که مراجع قضایی «صالح» از یک درجه نیستند، ایراد سبق طرح دعوا و امر مرتبط قابل طرح نیست، مگر در مرجع قضایی پایین‌تر». قید «مراجع قضایی صالح» مؤید همین نظر است



که دو دعوای مرتبط در دو دادگاه صالح مطرح شده‌اند.

ب) وحدت اصحاب دعوا؛ یعنی طرفین دعوا در هر دو پرونده یکی باشند [۸، ص ۲۵۱]. ممکن است دعوای چندی در شعب مختلف مطرح باشند که با یکدیگر ارتباط دارند و تصمیم در هریک، مثبت یا نفی‌کننده دیگری است؛ اما مادامی که طرفین دعوای واحد نباشند ایراد امر مرتبط قابل طرح نخواهد بود، زیرا اگر قرار باشد که همه دعوای که با یکدیگر به نحوی ارتباط دارند با این ایراد مواجه و در یک دادگاه مورد رسیدگی قرار گیرند، دادگاه با پرونده‌های قطوری از دعوای مرتبط با طرفین متفاوت مواجه و سیستم دادرسی مختل می‌گردد. این شرط در قانون ایران در بند ۲ ماده ۸۴ با عبارت «بین همان اشخاص» به صراحت بیان شده است. اما در قانون فرانسه چنین قیدی وجود ندارد که شاید دلیل عدم تصریح بدان بدیهی بودن این شرط در تحقق دعوای مرتبط و طرح ایراد امر مرتبط باشد.

ج) در جریان رسیدگی بودن هر دو پرونده؛ زیرا اگر رسیدگی به یکی از دو پرونده خاتمه یافته و منجر به صدور رأی شده باشد، رسیدگی دوباره به دعوای مختوم در دادگاه هم‌عرض فاقد توجیه قانونی است و صرفاً می‌تواند مبنای صدور رأی در رسیدگی حاضر باشد و در صورت وجود اعتراض نسبت به آن و وجود تجویز قانونی می‌توان نسبت به آن شکایت کرد. این امر از ظاهر ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه قابل استفاده است؛ زیرا مقرر شده است: «...که اجرای صحیح عدالت ایجاب کند که آن‌ها توأمان مورد رسیدگی قرار گیرند...». همچنین است متن بند ۲ ماده ۸۴ که تصریح دارد: «...قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد...». البته در فرضی که دعوای مرتبطی در مرحله بدوی خاتمه یافته و هم‌اکنون در مرحله تجدیدنظر در جریان رسیدگی است نمی‌توان با چنین ادعایی ایراد امر مرتبط را نپذیرفت؛ زیرا مراد از در جریان رسیدگی بودن، وجود دعوا در هریک از مراحل دادرسی است. در این راستا

قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در ماده ۱۰۲^۱ با بیان این‌که ایراد امر مرتبط باید در دادگاه تالی مطرح گردد، بر این عقیده صحه گذارده است. البته سکوت قانون آیین دادرسی ایران در این باره منجر به اختلاف نظرهایی بین حقوقدانان شده است. در حالی که عده‌ای ارسال پرونده را از دادگاه تالی به دادگاه عالی (مانند رویه قضایی فرانسه) با لزوم رسیدگی دو مرحله‌ای به ماهیت دعوا معارض می‌دانند [۱۰، ج ۱، ص ۴۳۰]، عده‌ای دیگر رویه قانونگذار فرانسه را پذیرفته و معتقدند در این فرض نیز همچنان دادگاه پایین‌تر می‌تواند ضمن صدور قرار امتناع از رسیدگی، پرونده را به دادگاه بالاتر ارسال کند [۷، ص ۸۷]. اما به نظر می‌رسد از آن‌جا که غالب آرای دادگاه تجدیدنظر قطعی‌الصدورند پذیرش این دیدگاه به معنای محرومیت طرفین از رسیدگی دو مرحله‌ای بوده، بدون تصریح قانونی در این باره نمی‌توان چنین مجوزی برای دادگاه تالی قائل شد.

د) وجود ارتباط کامل بین دو دعوا: یعنی دعوای مورد نظر با ادعای خواهان ارتباط کامل داشته باشد. برخی در بیان ارتباط کامل گفته‌اند: «...یعنی صدور رأی در یکی از دو دعوا موجب بی‌نیازی از انشای رأی در مورد دعوای دیگر باشد یا اثبات یکی از دو دعوا موجب اثبات یا رد دعوای دیگر گردد» [۲۶، ص ۲۱۱]. تشخیص ارتباط میان دعوای، امر ماهوی و موضوعی است که با توجه به محتوای پرونده یا تحقیقات دادگاه، در اختیار قاضی قرار دارد [۷، ص ۷۲؛ ۳۱، ص ۱۸۵ و ۱۸۶]. قانونگذار فرانسه در ماده ۱۰۱ از این شرط با عبارت «وجود نوعی پیوند که اجرای صحیح عدالت ایجاب کند که آن‌ها توأمان مورد رسیدگی قرار گیرند» یاد کرده است. باید توجه داشت که اشتراک بین دو دعوا باید به حدی باشد که اگر دو دادگاه دو نظر مغایر اتخاذ کنند، جمع بین دو حکم یعنی اجرای هر دو با هم غیرممکن باشد [۲۳، ج ۲، ص ۲۱۴].

۱. ماده ۱۰۲: «هنگامی که مراجع قضایی صالح از یک درجه نیستند، ایراد سبق طرح دعوا و امر مرتبط قابل طرح نیست، مگر در مرجع قضایی پایین‌تر».



قانونگذار فرانسوی با تمام دقت نظری که در بیان احکام مربوط به ایراد امر مرتبط داشته، در بیان نتیجه پذیرش ایراد چندان روشن عمل نکرده و صرفاً در ماده ۱۰۵ قانون مورد بحث تصریح کرده است که: «تصمیم صادر شده در خصوص ایراد خواه توسط دادگاهی که در این مورد بدان مراجعه شده صادر باشد و خواه متعاقب اعتراض صادر شود، هم بر مرجع قضایی مورد ارجاع و هم بر مرجع قضایی که از رسیدگی امتناع کرده تحمیل می‌شود». این ماده از تحمیلی بودن تصمیم در این باره بر دادگاه مورد ارجاع سخن گفته، بی‌آن‌که نوع و محتوای رأی صادر شده را تعیین کند. در قانون آیین دادرسی ایران نیز دعوای مرتبط ممکن است در همان شعبه یا همان دادگاه، دو دادگاه هم‌عرض یا دو دادگاه غیر هم‌عرض اقامه شود. قانونگذار ایرانی، در ماده ۱۰۳، برای دو فرض اول ارائه طریق کرده، بدین صورت که اگر دعوای مرتبط در همان شعبه مطرح شده باشد دادرسی به هر دو به صورت توأمان رسیدگی خواهد کرد و اگر در شعبه دیگری اقامه شده باشد، رئیس شعبه اول یا به عبارت دیگر رئیس حوزه قضایی این دادگاه، شعبه‌ای را که باید به تمامی این دعوای رسیدگی کند مشخص می‌سازد. اگر دعوای مرتبط در دادگاه حوزه قضایی دیگری مطرح باشد مطابق ماده ۸۹ دادرسی می‌تواند ضمن صدور قرار امتناع از رسیدگی، پرونده را به مرجع صالح ارسال کند [۱۰، ج ۱، ص ۴۲۹]. اگرچه ماده ۸۹ در مورد صدور قرار امتناع از رسیدگی تصریحی ندارد، اما از آن‌جا که قرارهای مذکور در این ماده صرفاً قرار عدم صلاحیت و رد دعوا است که در فرض مورد نظر قابل صدور نخواهند بود، صدور قرار امتناع از رسیدگی منطقی به نظر می‌رسد.

۲-۴. رد ایراد امر مرتبط

دادگاه پس از بررسی ایراد، با توجه به نتیجه حاصل، دو تصمیم متفاوت می‌تواند اتخاذ کند: (۱) ایراد را وارد تشخیص دهد که در این باره سخن گفتیم. (۲) ایراد را وارد نداند که در این صورت باید مستنداً آن را مردود اعلام کند. اعلام رد ایراد باید به نحوی باشد

که چنانچه بدون پاسخ به ماهیت دعوا مطرح شده، خواننده از حق دفاع محروم نشود [۱۰، ج ۱، ص ۴۵۷]. با رد ایراد، پرونده وارد مرحله رسیدگی ماهوی خواهد شد؛ اما این مسأله قابل طرح است که آیا ایرادکننده حق اعتراض به این رأی دادگاه را دارد یا خیر؟ قانونگذار ایران در این باره تکلیفی معین نکرده، در حالی که در کشور فرانسه ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اعتراض به تصمیم‌های صادر شده در خصوص امر مرتبط از دادگاه نخستین، همانند ایراد عدم صلاحیت مطرح شده و رسیدگی می‌شوند...» و مواد ۷۸ تا ۹۱ به صورت مفصل دو طریقه اعتراض به رد ایراد عدم صلاحیت را بیان کرده‌اند. به عبارت دیگر، رد ایراد امر مرتبط همان نتیجه رد ایراد عدم صلاحیت را در بردارد. ضمانت اجرای رد ایراد عدم صلاحیت دو چیز است: ۱) پژوهش‌خواهی در فرضی که دادرسی ضمن اظهارنظر ماهوی، نظر به صلاحیت داده است (ماده ۷۸ ق.آ.د.م.ف. ۱)؛ ۲) اعتراض نقض در فرضی که دادرسی بدون ورود به ماهیت و ابتدائاً در خصوص صلاحیت رأی صادر کرده است (ماده ۸۰ ق.آ.د.م.ف. ۲). اگرچه قانونگذار فرانسه راه اعتراض به ایراد امر مرتبط را هموار کرده، اما به نظر می‌رسد پذیرش اعتراض به رد ایراد امر مرتبط در آیین دادرسی مدنی فاقد وجهه قانونی است و صرفاً منجر به اطاله دادرسی خواهد شد. بر فرض که دادگاهی ایراد امر مرتبط را رد کند و به دو دعوا به صورت مجزا رسیدگی شود، دو نتیجه قابل تحقق است: یا دو رأی در راستای یکدیگر صادر شده و تضاد و مغایرتی با یکدیگر ندارند و یا این که آرای مغایر صادر می‌شود. اگر دو رأی مغایر صادر گردد ذینفع می‌تواند ضمن تجدیدنظرخواهی در مرحله تجدیدنظر به رأی صادر شده مغایر نیز استناد و از آن

۱. ماده ۷۸: «اگر دادرسی خود را صالح اعلام نموده و ماهیتاً در یک رأی اظهارنظر کند، از این رأی فقط می‌توان پژوهش‌خواهی کرد، خواه نسبت به تمام مندرجات آن در صورتی که قابل پژوهش باشند و خواه نسبت به عنوان صلاحیت اگر تصمیم در ماهیت به طور قطعی صادر شده باشد».

۲. ماده ۸۰: «هنگامی که دادرسی بدون ورود به ماهیت دعوا در خصوص صلاحیت رأی صادر می‌کند، حتی اگر دادرسی مسأله ماهوی که صلاحیت بدان وابسته است را حل و فصل نموده باشد تصمیم او قابل شکایت نیست، مگر به موجب اعتراض نقض».



استفاده کند.

۵. نتیجه و پیشنهاد

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ایران، اگرچه در پاره‌ای مسائل به دقت احکام دادرسی را تعیین کرده، اما در غالب موارد به صورت کلی و گذرا در این باره بیان حکم کرده است. ایراد امر مرتبط که در بند ۲ ماده ۸۴ قانون مزبور بدان اشاره شده از این دست است. قانونگذار برای خواننده، حق ایراد تا پایان اولین جلسه دادرسی و ضمن دفاع ماهوی قائل شده است، اما در مورد امکان طرح ایراد مزبور از جانب خواهان، مکان طرح ایراد، نتیجه رد ایراد، اعتبار تصمیم دادگاه بر پذیرش ایراد، حق یا تکلیف بودن طرح ایراد و مانند آن حکمی بیان نکرده است.

به نظر می‌رسد بهتر این باشد که قانونگذار ایرانی مانند قانونگذار فرانسوی به‌وضوح پاره‌ای از ایرادات را از جانب هریک از طرفین قابل طرح اعلام کند. همچنین لازم است دادگاه محل طرح ایراد را به‌وضوح تعیین کند. اگرچه قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه دست متقاضی را در انتخاب دادگاه باز گذارده، اما تعیین دادگاهی که موخراً دعوا در آن اقامه شده، به‌عنوان محل طرح ایراد با منطق و جریان معمول محاکم ایرانی سازگارتر می‌کند.

نتیجه پذیرش ایراد در ماده ۸۹ و ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی ایران تعیین شده است. اما قانونگذار قراری را که در ادامه پذیرش از جانب دادگاه صادر خواهد شد تعیین نکرده است. همچنین درباره فرضی که دو دعوا یکی در دادگاه نخستین و دیگری در دادگاه تجدیدنظر اقامه شده باشد، قانون ایران حکمی ندارد. در مقابل، قانونگذار فرانسه اگرچه در مورد نوع و محتوای تصمیم صادر شده از جانب دادگاه حکمی تعیین نکرده، اما در فرضی که دو دعوا در دادگاه عالی و تالی مطرح باشند در ماده ۱۰۲ اجازه طرح ایراد در مرجع پایین‌تر را داده است.

اعتبار تصمیم دادگاه در این باره در قانون فرانسه به‌صراحت بیان شده است. بهتر

است قانونگذار ایرانی نیز از این قانون الگو گرفته، درباره اعتبار رأی صادر شده درخصوص پذیرش ایراد مزبور به صراحت حکم کند. نتیجه رد ایراد امر مرتبط در قانون ایران به صراحت تعیین نشده است و باید در این باره راهکار روشنی اتخاذ گردد؛ چنان‌که که قانونگذار فرانسه به صراحت در این باره در ماده ۱۰۴ و به تبع آن در مواد ۷۸ تا ۹۱ تعیین تکلیف کرده است.

۶. منابع

- [۱] انصاری مسعود؛ طاهری، محمدعلی، *دانشنامه حقوق خصوصی*، ج ۱، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴.
- [۲] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *دانشنامه حقوقی*، ج ۱، چ ۵، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- [۳] پرو، روژه، *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین، غلامحسین کوشکی، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
- [4] Couchez, Gérard; Lagard, Xavier, *Procédure Civile*, 16 édition, Sirey Université, 2011.
- [۵] واحدی، قدرت الله، *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*، چ ۷، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- [۶] غمامی، مجید؛ محسنی، حسن، *آیین دادرسی مدنی فراملی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- [۷] محسنی، حسن «دعاوی مرتبط و ناکارآمدی مقررات مرتبط»، *مجله حقوقی دادگستری*، س ۷۶، ش ۷۷، ۱۳۹۱.
- [۸] بهشتی، محمد جواد؛ مردانی، نادر، *آیین دادرسی مدنی براساس قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- [۹] کریمی، علی اصغر «تجمیع دعاوی مرتبط و لزوم رسیدگی به آنها در دادگاه واحد»، *دیدگاه‌های حقوقی*، ش ۱۰ و ۱۱، ۱۳۷۷.

- [۱۰] شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، چ ۲۱، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۸.
- [۱۱] *قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه*، چ ۲، ترجمه حسن محسنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
- [۱۲] متین دفتری، احمد، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۲، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸.
- [۱۳] واحدی، قدرت‌الله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۳، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- [۱۴] غفاری، جلیل، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۳، چ ۳، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴.
- [۱۵] مولودی، محمد، «دعوی اضافی»، *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۵۸، ۱۳۸۱.
- [۱۶] شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۳، چ ۲، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۴.
- [۱۷] _____، *آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)*، ج ۳، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۶.
- [۱۸] حسن‌زاده، مهدی، «مهلت اقامه دعوی اضافی»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، س ۸، ش ۲۹، ۱۳۹۰.
- [۱۹] صدرزاده افشار، محسن، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، چ ۳، تهران، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ۱۳۷۴.
- [20] Lefort, Christophe, *Procédure civile*, 3 édition, Dalloz, 2009.
- [۲۱] شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، چ ۳، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵.
- [22] Guinchrd, serge ; Ferrand, Frédérique ; Chainais, Cécil ,*Procédure Civile*, Paris , Dalloz, 2008.
- [۲۳] متین دفتری، احمد، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۲، چ ۳، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۱.
- [24] Vincent, Jean et Guinchard, Serge, *Procédure civile*, 26édition, Paris,

Dalloz, 2001.

- [۲۵] حیاتی، علی عباس، شرح قانون آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
- [۲۶] ملک‌زاده، فهیمه، اصطلاحات تشریحی آیین دادرسی (کیفری- مدنی)، چ ۲، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- [۲۷] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، چ ۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
- [۲۸] حیاتی، علی عباس، کلیات آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- [۲۹] کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- [۳۰] ابهری، حمید، «حقوق و تکالیف خواهان دعوا در اولین جلسه دادرسی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، ش ۱، ۱۳۸۷.
- [۳۱] خدابخشی، عبدالله، مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.